

موقر، رضا، ۱۳۴۷ -

کشکول دل، شاعر، رضا موقر. - قم: آل علی، ۱۳۹۶.

۳۱۲ ص.

۳۰۰۰۰ ریال.

ISBN : 978-964 - 7710-36-4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .

شعر فارسی - قرن ۱۴. ۲. شعر مذهبی. قرن ۱۴. الف عنوان

۱۳۹۶ ک ۶۱ و / PIR ۸۲۲۳

۴۸۱۶۱

۸ فا / ۶۲



انتشارات آل علی

تلفن : ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۸۲۷ - ۰۲۵ - ۷۷۱۸ ۲۵۱ ۰۹۱۲

کشکول دل

تألیف / رضا موقر (قاجار)

ناشر / انتشارات آل علی

صفحه آرای / مجموعه انتشاراتی

طرح جلد / استاد محسن ذاکر

نوبت چاپ / اول - ۱۳۹۶

چاپخانه / جعفری

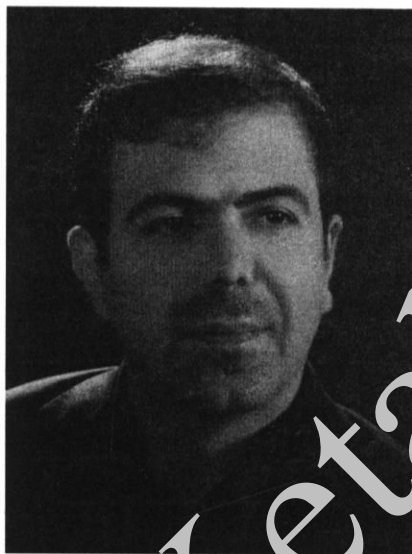
شمارگان / ۱۰۰۰ جلد

قیمت / ۳۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش / ۰۴۱۳۷۲۵۴۵۷۰ - ۰۹۱۹۵۳۱۶۰۰۲

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۱۰-۳۶-۴ ISBN: 978-964 - 7710-36-4

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص مؤلف است



کشکول دلم ز گردن آویزان است
نی در طلب جواهر و مرجان است
درویشم و زین جهان ندارم طلبی
چشمم به کرامت شه مردان است





موفق، استاد کریمی مراغه‌ای

موفق، ماعر وارسو ته آزاد

کلامش موبه مو تبلیغ و ارشاد

عجب شاگرد شایسته ندیده

نه تنبیه معاً هم جور اوستاد

موفق ذره بین و نکته سنج است

نباشد در کلامش عیب و ایراد

خوش اخلاق است و خوش برخورد و خوشرو

بصورت آدم و سیرت پریران

بیانش دلنشین شعرش مهیج

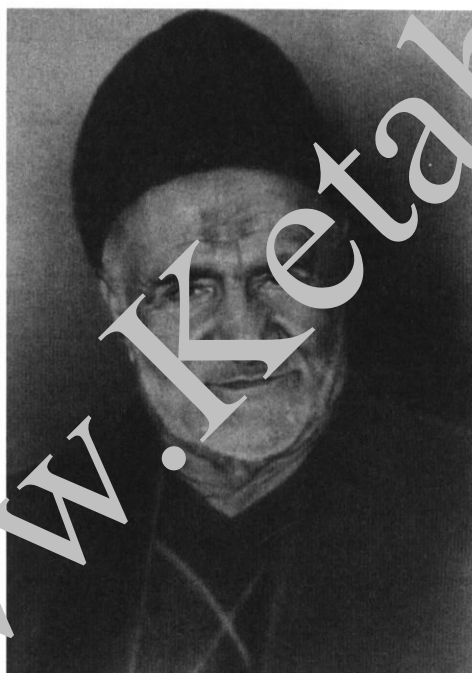
به نقاشی ره نیابد هیچ نقاد

یگانه وارث شاهان قاجار

مزید شهرت آبا و اجداد



کلامش کام را شیرین نماید
بسان لقمه شیرین قناد
«کریمی» شاعر والا تبار است
به تأیید رئیس ثبت اسناد



کتابخانه
کتابخانه





مقامه استاد رضا نویدی آذر

«ببینان مراغه‌ای»

به نام خداوند جان آفرین
حکیم سبزه‌ان آفرین

شعر جوشش احساس است و منع آن دل است لذا آنچه از
دل برآمد لاجرم بر دل نشیند. و چون چنین باشد الهام نام
گیرد و آنگاه به دریا‌های او متصل می‌شود. به قول مولانا:

قطره ای دانش که بخشیدی ز پیش
متصل گردان به دریا‌های خویش

و شعر اگر چه دانش است اما وقتی با دل سر و سری پیدا کرد
چنگ به افلاک اندازد. از قید بند و دانش رها می‌شود.
اینجاست که به قول نظامی گنجوی:



قافیه سنجان که سخن برکشند

نقش دو عالم به سخن در کشند

بلبل عرشند سخن پروران

باز چه مانند به آن دیگران

پیش و پس بست صف کبریا

پس، شعرا آمد و پیش، انبیا

اما این صف شعرا که بعد از صف انبیا تشکیل میشود، خود صفهای متعددی را بوجه دمی آورد که یکی را همچون حافظ در صف اول می‌نشانند و یکی را در صف دوم و ... اما پس و پیش کردن این سننها را به عهده‌ی صراف روزگار است تا که قبول کنند که در نظر آیند. اما شعر رضا موقر (قاجار) هم شعر جوششی است و هم شعر کوششی، جوشش از طبع لطیف اوست و نازک آرایه‌های کلامش از همین سرچشمه است:

ای کاش در آن دامگه گیسوی افشان

جز دانه ای آن خال سیه دانه نبند

عمریست گدای در سلطان وفایم

زنجیر وفا گردن بیگانه نبندند

یا در بخش اشعار ترکی، صور خیال در این بیت زیبا و

ستودنی است:



گوشه ی چاه زرخداوندا عالم گیزلنوب
وار یئری عالم دئیه بو استتاره مرجبا

گاهی همچون سوداگری دل به دریا میزند و از سود و زیان
هراسی ندارد و هر آنچه در این سودا به دست می آورد ضرر
نم باشد برای او عین سود است:

گویند که چون سود کنی در ره معشوق
گویم همه سود است اگر چه ضررم هست
اخلاص و برق دیدار معشوق، پروانه وار او را به گرد شمع
رخ دوست بیکش و آتش وجود او را به شرار عشق
میسوزاند، بدون اینکه بررایی از پروانه شدن داشته باشد. آری
به قول شاعر «عست آتش بو» و خانه خرابی دارد «موقر
گوید:

گویند مزن بال پو پروانه به گردش
گویم که چه باک است پو تابش هست

این اخلاص و شور و حال عاشقانه به این سادگیها به دست
نیامده. نگارنده که سالهای نوجوانی وی را با درد او را
پرورده ی عشق میداند که از همان سالها وی را مقبل سجد و
مجاور محراب کرده بدون اینکه گرفتار غرور زهد خشک
شود:

گویند که تنهایی و بنشسته به خلوت
گویم همه جا یاد و خیالش بیرم هست



سجّاده نشینی موقّر که به آنجا نکشیده
ای دوست بیا حالت شور دگرم هست

آری او سجّاده نشینی است موقّر و این همان وقاریست که او
را به «نفس مطمئنّه» سوق داده و «خیال» دوست را ورد روزانه
ر «یاد» او را ذکر شبانه اش کرده، آنجا که میگوید:

بخود بیچم به شبها از خیالت
چنان شبها کسی هرگز ندیده

این شور سقانه که شاعر دارد در بوته ی عشق گداخته و از
تعلّقات زهد رها شده و راه را داده و همان شور جانگدازی ست که وی
را منزل به منزل از رندی «خوف» رهانیده و مرحله به مرحله
بعد از عبور از خطرات و راهدانه به شعور عارفانه سوق
داده و مقیم کوی «رجا» نموده است. بیتها راستی گویای
«احوال درون» اوست:

یک سفر گنج دل غمزده ام منزل کن
تا در آن خاطر والای تو جا گیرم
غمم این است پریشانم و زاهد در عیب

دگر از عرضه ی احوال خود از جان سیرم

آری زمانی خانه بدوش کوی عشق میشود و از سرزنش اهل
ظاهر نمی اندیشد و شماتت این قوم را به جان میخرد و از
«تکفیر» اهل ظاهر پروائی ندارد:



من که ای دوست ز عشق تو شدم خانه بدوش
اهل ظاهر به همین عشق کنند تکفیرم

آری از تزویر و ریا بیزار است و از تکفیر بی باک! چه غمی
دارد وقتی که باطنش به ظاهر آرایی اعتنایی ندارد و دلش از
هر گونه غل و غشی صاف است:

باطنم آینه ی صافی و بی غش از غیر
ساقیست چنین تحریرم
وقتی از سجد به سوی میکده میروده به حکم دل عمل میکند
و خود را به دست بدبر عشق می سپارد و از هر قصوری
خویشتن را تبرئه نماید:



آن شبی را که در مسجد سوی میخانه شدم
حکم دل بود و باشد بخدا تقصیرم

غزل «موقر» از نوع عرفانی آنست و در ظاهر این عشق راستین
هر چه که آیتی از آن باشد عشق می ورزد اینجاست که
عیش بهشت و دیدار حوری و غلمان به زاهد سبک ارزانی
میدارد و می گوید:

زاهدا حوری و غلمان و تو و عیش بهشت
همه ارزانی تو ما و غم یاری چند

و در غزلهای ترکی نیز که از لطافت خاصی برخوردار است
همین خط فکری را دنبال میکند مثلاً در این بیت زیبا معشوق



را در اوج استغنا و خود را در حضيض عجز و نیاز میبند آنجا
که میگوید:

اوج اسغناده سنسن من هامی عجز و نیاز
فیکر ائدن تا اولماسین طنّازه خواهان قالماییب

در این بیت:

کعبه یوز دونده رن چو خدور قاشون محرابینا
کفر زانوندن بو ائناده مسلمان قالماییب
موقّر شاعری ذوقن اوست و در همه موضوعات مخصوصاً
موضوعات روز نین عاموس ننشسته و در سرودن طنز فاخر نیز
چیره دستی خود را به رخ میکشد شعر معروف « هاردان دئیم
هارا قالسین » نمونه ای بسیار زیبا از طنزهای او به زبان ترکی
و شعر اوّل برای عرض حقایق امان میدهد لب بسته غنچه های
غزل را دهان دهید « نمونه ای از آثار کم نظیر او در وادی
طنز است.

ایشان به دیگر هنرها نیز آراسته است، او با شاعرانی که از
الحان و آهنگهای موسیقی دارد به خوبی میداند چگونه با
صوت داودی خویش اشعار عرفانی را در بسر مناسب
دستگاههای موسیقی قرار دهد و چگونه از این آهنگها در
رعایت مدّاحی و تعزیه خوانی های اهل بیت عصمت و
طهارت (ع) بهره گیرد. آری همانطور که اشاره خواهد شد
بیشتر اشعار شاعر در مدح و رثای اهل بیت و عترت رسول



خداست که البته این نوع از اشعارش بر دیگر انواع شعر وی
از نظر کمیت نیز غلبه دارد.

او که بلبل دست آموز دستگاه اباعبدالله حسین (ع) است از
همان دوران نوجوانی در مکتب عشق و ارادت به خاندان
پیامبر تربیت یافته و در باغ عشق و شیدایی ایشان نشو و نما
یافته است. تسلط وی بر مقاتل، اشعار آیینی او را سوزناکتر
کند. مثلاً در کوچ از قتلگاه می گوید:

خونم و لا بهر دویونجا سنه آغلیام گئدم
گوز سیمله یاره لرون باغلیام گئدم
یا در غزل دیگری در کوچ از قتلگاه چه سوزناک سروده
است:



دور ای یارالی زینم بی خانمان گئدور
شمر و سنانیله بالار باغرتان گئدور
یا در شعر زبانه‌حال امام در بالین حضرت علی اکبر (ع):

یاتما بئله قان ایچره اوغول رحم ائله باری
بیر یول گوزون آچ باخ منه اکبر ای تازی
لیلای وجودیم سنه وابسته دی اوغلوم
ای عالمی مجنون ائلین چشم خماری
دور یاتما دیزیم طاقتی دیز قالمادی منده
لطف ائله گوتور دل اولان شعله ناری

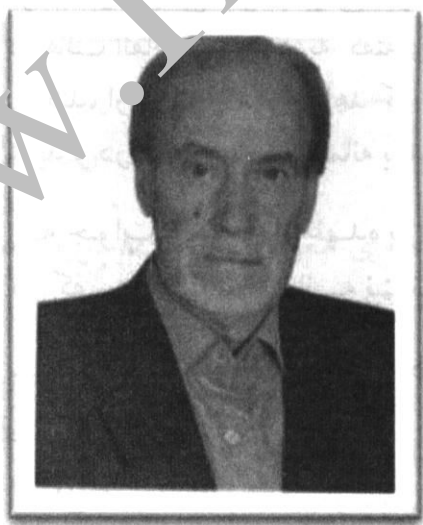


آنچه انسان از یک شعر زیبا و روان و آراسته به صنایع بدیعی انتظار دارد اینجا با یکدستی تمام و سرشار از عاطفه و احساس خود نمایی میکند.

تشبیه زیبای « لیلای وجود » با ایهام ظریفی که « مشبّه به » ایجاد می کند و در ارتباط با مجنون به تلمیح می انجامد آن هم بدون تصنع و تکلف توجّه و تسلط او را به آرایش سخن نشان می دهد.

سخن آخر آنکه شعر « موقر » شعر دل است و برای دلدادگان تحفه ای است برتر از برگ.

آذر ماه ۱۳۹۶ رضا نویدی آذر
پیمان مراغه ای





۴۳		یاده ی خاسوس
۴۲		ای دوست
۴۱		زبیرم اشکی
۴۰		باران غم
۳۹		همه اوست
۳۸		صفای می فروشان
۳۷		عشق جاودانه
۳۵		اشعار فارسی
۳۱		یادداشت
۲۹		سیری کوتاه در دیوان موقت
۲۱		مقدمه استاد داود مشیر (عاصی)
۱۹		یادداشتی از پروفیسور صدیق
۸		مقدمه استاد رضا نویدی آذر «پیمان مراغه ای»
۵		تقدیر استاد کریمی مراغه ای

فهرست مطالب





- قبولی عمل ۴۴
- خدمت به خلق ۴۵
- هوای وصل ۴۶
- نام تو ۴۷
- سود و زیان ۴۸
- عشق خدایی ۴۹
- قوم ۵۰
- که رسم؟ ۵۱
- دست خالی ۵۳
- چشم به راه ۵۴
- شرح حال ۵۵
- اندیشه عشق ۵۶
- عرض حال ۵۷
- دفتر شعر ۵۸
- خدا کند ۵۹
- به ادب کوش! ۶۰
- درد جدایی ۶۱
- تیغ ابروان ۶۲
- آشنای غم ۶۳
- شمع خبر چین ۶۴
- محرک عشق ۶۵
- گراف قلندری ۶۶



- ۶۷ کمان ابرو
- ۶۸ عاشقان بیدل
- ۶۹ شاه خوبان
- ۷۰ استجابت
- ۷۱ زن بر وفا
- ۷۲ مرغ پریده
- ۷۳ سفیدی
- ۷۴ کفر
- ۷۵ هوای میکرده
- ۷۶ باده گسار
- ۷۸ لیلی و معجون
- ۸۰ گزارش از مراسم رونمایی کتاب تار بخفته عادات مراغه
- ۸۱ مراغه شهر حسینی
- ۸۳ یا علی
- ۸۴ میلاد دخت نبی (ص)
- ۸۵ باده ی ناب
- ۸۶ سلسله ی ایمان
- ۸۷ قبله ی شکسته دلان
- ۸۸ در متقبت حضرت سجاد (ع)
- ۸۹ عبرت
- ۹۳ در وصف حضرت امام جواد (ع)
- ۹۴ در نعت امام جواد (ع)



- در منقبت حضرت زینب (س) ۹۶
- یا ابا صالح (عج) ۹۷
- آقا ییا! ۹۹
- کرم زینب (س) ۱۰۱
- عالمه ی بی معلمه ۱۰۲
- اربعین ۱۰۳
- لیثت یا حبیب (ع) ۱۰۴
- دیدار ۱۰۶
- زینب (س) ۱۰۷
- طلبکاریم! ۱۱۰
- شهیدان منا ۱۱۳
- در سوگ آتش (علی آذرشاه) ۱۱۵
- در سوگ حاج عباس رنجبر، قاری و مفسر قرآن ۱۱۶
- در سوگ برادر ۱۱۷
- گفت و شنود ۱۱۸
- امان دهید! ۱۲۱
- سنگر سازان بی سنگر ۱۲۳
- مرگ آمریکا ۱۲۵
- در رثای دکتر محمد علی حسین زاده ۱۲۶
- خادم حضرت معصومه (س) ۱۲۶
- عرض خوش آمدگویی به فرهیختگان و شاعران «مدنیت اوجاقی» ۱۲۷
- مکتب زورخانه ۱۲۸



- ۱۳۰..... یادشان بخیر!
- ۱۳۱..... شاکی متشاکی
- ۱۳۲..... جاده ی مراغه - هشتروند
- ۱۳۳..... وداع
- ۱۳۵..... تغییر
- ۱۳۷..... انشاالله
- ۱۳۸..... برای سنگ مرمر
- ۱۳۹..... اشعار کبیر
- ۱۴۱..... ای واقف اسرار
- ۱۴۲..... الهی!
- ۱۴۳..... مسقط محمدیه (ص)
- ۱۴۵..... ولادت مولای متقیان (ع)
- ۱۴۷..... غلام حیدرم
- ۱۴۹..... ای کاش!
- ۱۵۱..... علوم غریبه و یار
- ۱۵۲..... شوق وصال
- ۱۵۳..... عاشق
- ۱۵۵..... زبانحال امام(ع) در بالین حضرت علی اکبر(ع)
- ۱۵۷..... گوزه لیم!
- ۱۵۸..... قان قالمیوب
- ۱۵۹..... گلدی باهار
- ۱۶۰..... دیرلی





- ۱۶۱.....عرض حال
- ۱۶۲.....دیوانه باغلا
- ۱۶۳.....جانانه دگمه سین!
- ۱۶۴.....نه یه اوخشاسین؟
- ۱۶۵.....تضمین غزل استاد ودود دوستی
- ۱۶۷.....دگمز
- ۱۶۸.....صفای ربانی
- ۱۶۹.....گلاره
- ۱۷۰.....انجمن اوسری
- ۱۷۶.....کریمی
- ۱۷۷.....تضمین از غزل استاد دردمشمتخلص معاصی
- ۱۸۰.....عقل و عشق
- ۱۸۱.....تضمین از غزل استاد پیمان مراغه ای (دکتر رضا نویدی آذر)
- ۱۸۳.....خوشوم گلمدی
- ۱۸۵.....تضمین از غزل استاد حیدر عباسی «باریشماز»
- ۱۸۷.....زینین درسی
- ۱۸۹.....حاج حیدر!
- ۱۹۱.....قیمت عشق
- ۱۹۲.....تجلیل از شاعران!
- ۱۹۶.....خروج از شام
- ۱۹۸.....یامان درد
- ۱۹۹.....رثای حضرت امام حسن عسکری (ع)



کتابخانه



- ٢٠٠ ثار الله.
- ٢٠١ خبرین یو خدی سنون
- ٢٠٢ ای عشق!
- ٢٠٣ در وصف امام هادی (ع)
- ٢٠٤ صل و رع
- ٢٠٥ یف سلسله سی
- ٢٠٦ قاتشدیر ما
- ٢٠٧ منی تک قویما
- ٢٠٨ بی قرار
- ٢٠٩ ترجمان دل
- ٢١٠ آیریلیق
- ٢١١ یار اغیار
- ٢١٢ هشت سال دفاع مقدس
- ٢١٨ عبد ذلیل
- ٢١٩ درمانده قالمیشام
- ٢٢٠ گرفتار حسینم
- ٢٢١ بیر حکایت
- ٢٢٦ وداع
- ٢١٨ صودامر او غلوم
- ٢٢٩ گدای مولا
- ٢٣٠ زبانهال عروس
- ٢٣١ خط بطلان





- ۲۳۲ صلاى عشق
- ۲۳۴ زبان حال امام حسين (ع)
- ۲۳۵ باطن كعبه
- ۲۳۷ در ثاى شهيد مدافع حرم امين كريمى
- ۲۳۸ كربلايه گنت
- ۲۳۹ ماه علقم
- ۲۴۱ در نعت حضرت ابوالفضل (ع)
- ۲۴۳ اسرار با
- ۲۴۴ شام غريبان
- ۲۴۵ يا زينبا (س)
- ۲۴۶ انتهاي محنت
- ۲۴۷ وصيت پيامبر اكرم (ص) به خدا
- ۲۴۸ غنچه ي شش ماهه
- ۲۴۹ حسين من!
- ۲۵۱ وحدت و اتحاد
- ۲۵۳ اربعين حضرت زهرا (س)
- ۲۵۴ گلآيه
- ۲۵۵ قدى خم
- ۲۵۶ بذل جان
- ۲۵۷ غساله و رقيه
- ۲۵۸ درد هجران
- ۲۵۹ نه چكيشم من



- شهادت شاه ولایت (ع) ۲۶۰
- کوفه ۲۶۱
- ای چاره ساز! ۲۶۲
- خروج از مدینه ۲۶۳
- سلام غریبان حضرت رقیه (س) ۲۶۴
- رحه کوچ از قتلگاه ۲۶۶
- بن روضه ۲۶۷
- وصیت حضرت محمد (ص) به اسماء ۲۶۸
- در خصوص حضرت زهرا (س) ۲۶۸
- شهید راه حق ۲۶۹
- حضرت رقیه (س) ۲۷۰
- ساقی عطشان ۲۷۲
- علم گنبد حضرت ابوالفضل (ع) ۲۷۳
- که به مراغه آورده شده بود ۲۷۳
- مزار یوه گلم ۲۷۵
- خالص حسین چی ۲۷۶
- یارانه لر ۲۷۷
- گلایه ۲۷۹
- دیوانه نین سوزو ۲۸۰
- یار باوفا ۲۸۳
- مرکب اکبر ۲۸۴
- امام حسن (ع) و کوچه ۲۸۵





- عزادی بو گنججه ۲۸۶
- استقبال استاد بختیار (خسرو شالی) ۲۸۸
- ترکیب بند ماه محرم ۲۸۹
- افتاح پارک مسافر استاد کریمی در تبریز ۲۹۷
- گلستان دوزه لر ۲۹۹
- فرقی وار ۳۰۱
- اختتامیه کتاب ۳۰۲

